سرمقاله

ادامه از صفحه یک ...

به مطلوب توصیه‌ها و اظهارات رهبری درباره برجام و مذاکره سعی در پیش‌برد مواضع خود و تخطئه دستگاه دیپلماسی دارند.

هجمه‌های تکراری به ظریف

مصادره به مطلوب‌ها با چاشنی تقطیع، تحریف و تفسیر به رأی، بارها به ابزارِ تندروها برای فضاسازی و تخریب دیپلماسی دولت تبدیل شده است. مورد اخیر یعنی سفر ناگهانی ظریف به محل برگزاری نشست سران گروه هفت در فرانسه بود که دوباره هجمه دلواپسان را علیه ظریف و دستگاه دیپلماسی دولت برانگیخت؛ با این بهانه واهی که اقدامی است برخلاف منویات رهبری. این در حالی است که بازگشت ظریف از پاریس به تهران و پس از تنها یک روز عزیمت مجدد وی به محل برگزاری اجلاس گروه هفت در فرانسه، به وضوح حاکی از مشورت و رایزنی و سپس تصمیم‌گیری در عالی‌ترین سطح نظام و اقدام هماهنگ‌شده‌ای که ظریف تنها نقش مجری آن را ایفا کرد. در کشور ما سیاست‌های کلان خاصه در عرصه دیپلماسی بدون مشورت در سطوح بالای نظام نه قابل طرح است و نه به مرحله اجرا می‌رسد. کما اینکه در دور قبل مذاکرات هسته‌ای از زمان آغاز محرمانه در عمان تا پایان مذاکرات ایران و ۵+۱ در هتل کوبورگ وین و نهایتاً امضای برجام و تصویب آن در مجلس از همین قاعده پیروی می‌کرد. همچنین در طول مذاکرات تمام محورهای مهم از طرق مختلف (خطوط امن یا در موارد حساس با سفر یک فرد معتمد به تهران و سپس بازگشت به محل مذاکرات) به اطلاع رهبری می‌رسید و توصیه‌ها و رهنمودهای مربوطه نیز از ایشان دریافت می‌شد.

حرکت دولت در مسیر توصیه‌های رهبری

برجام یکی از نمونه‌های بارزی است که نشان می‌دهد در داخل کشور چه کسانی چشم دیدن موفقیت‌های دولت را ندارند. مذاکراتی که با آگاهی رهبر انقلاب صورت گرفته بود و ایشان ضمن تأیید مراحل آن به مذاکره‌کنندگان دست مریزاد گفته بودند، از سوی برخی افراد تندرو مورد هجوم قرار گرفته و به گونه‌ای با آن برخورد می‌کردند که گویی رهبر انقلاب با آن مخالف است. مخاطب این یادداشت آنهایی هستند که عذرخواهی آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را مطالبه می‌کنند. آنان نگاهشان به متن برجام بوده و هست که این متن مخالف منافع ملی و حتی مخالف نظر رهبری بود. حال آنکه روشن است مسئله هسته‌ای و توافقات آن و نشست‌وبرخاست‌های طولانی تیم مذاکره‌کننده همه‌وهمه به نظر عالی‌ترین مقامات کشور می‌رسید و بدون توافق کلی مسئولان نظام، بالطبع تیم مذاکره‌کننده اجازه امضای توافق‌نامه را نداشت. دلواپسان ادعا می‌کنند خطوط قرمز نظام در توافق رعایت نشده است هرچند اطلاعی از خطوط قرمزی که این دسته از دلواپسان مدعی هستند رعایت نشده است، نداریم، ولی باور عمومی بر این است با توجه به حمایتی که در طول مذاکرات و بعد از آن توسط مقام معظم رهبری از تیم مذاکره‌کننده -که آنان را فرزندان انقلاب نامیدند- می‌شد، آیا پذیرفتنی است در مذاکرات نفس‌گیر برجام و حالا پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از آن، به این شکل با مسائل برخورد شود و همه کاستی‌های طبیعی یک مذاکره چندجانبه به تیم مذاکره‌کننده و دولت نسبت داده شود؟... از منظر حقوقی برابر قانون اساسی تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها بر عهده مقام معظم رهبری است. البته این را هم باید گفت که نگاهی به رویکرد آیت‌اله خامنه‌ای در موضوع مذاکرات هسته‌ای و برجام نشان می‌دهد که ایشان بر منوال مردم‌سالاری دینی و لزوم احترام به رأی و نظر مردم عمل کرده‌اند؛ یعنی در حالی که بارها نسبت به خود مذاکرات و نتایج آن ابراز عدم خوش‌بینی و نارضایتی داشته‌اند، اما به‌دلیل خواست مردم و ایده دولت‌ها، آن را به محک تجربه گذاشته و در این مسیر تمام توان خود را به‌کار گرفته تا هزینه‌های این تجربه برای مردم و حکومت ایران به حداقل برسد و نهایتاً منجر به تغییر مسیر دولت و جامعه به سمت راه درست، یعنی پیشرفت درون‌زا شود.

فصل مشترک دلواپسین داخلی و اپوزیسیون خارجی

این روزها با بررسی اجمالی هشتگ ظریف در توئیتر و سپس تفکیک توئیت‌هایی که علیه وی نوشته شده‌اند، نکته‌ای قابل تأمل پیش‌رو قرار می‌گیرد که هم تأسف‌آور است و هم هشدارآمیز. کافی است نام و عکس اکانت‌ها را بپوشانید (صرف اینکه با مواضع و بستگی‌های کاربرِ مربوطه آشنایی قبلی نداشته باشید) احتمالاً به سختی می‌توان مرز قابل ملاحظه‌ای میان دو طیف تخریب چی داخلی و خارجی که با جنگ روانی مجازی علیه ظریف فضاسازی می‌کنند، پیدا کرد. هر دو طیف با ادبیاتی تند و واژگان توصیفی نسبتاً مشابه ظریف را خائن، دروغگو، نوکر، گوش به فرمان، توجیه‌گر و ... لقب می‌دهند. تنها نکته‌ای که می‌توان آن را برای مرزبندی و تفکیک این دو طیف به کار گرفت می‌تواند این باشد که مخالفان نظام جمهوری اسلامی ظریف را مجری دستور کار رهبری و توجیه‌گر و گوش به فرمان نظام و... می‌دانند و ارزشی‌ها سعی می‌کنند ظریف را در مقابل رهبری و در نوکری آمریکا لقب دهند.

جزئیات جدید پیشنهاد «مکرون» از زبان مطهری

علی مطهری نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در خصوص پیشنهاد «امانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه به ایران اظهار داشت: رئیس‌جمهور فرانسه پیشنهاد راه‌اندازی خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری برای پیش خرید نفت از ایران را پیشنهاد داده است و اینکه گفته می‌شود این مبلغ کمک بلاعوض و وام است، درست نیست. وی با بیان اینکه طبق پیشنهاد فرانسوی‌ها این مبلغ در سه مرحله قرار است پرداخت شود، ادامه داد: مکرون پیشنهاد داده تا در برابر این مبلغ فعلاً جمهوری اسلامی ایران گام سوم خود را اجرا نکند و احتمالاً از گام اول و دوم خود هم به جایگاه اولیه در برجام بازگردد.

ظریف به بنگلادش و اندونزی سفر می‌کند

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد که ظریف در ادامه رایزنی‌های خود، امروز عازم بنگلادش و اندونزی می‌شود. سید عباس موسوی افزود: این سفرها در ادامه دیپلماسی فعال وزارت امور خارجه و دولت انجام می‌شود و نگاه متوازن جمهوری اسلامی ایران به اقصی نقاط دنیا ایجاب می‌کند که این دیپلماسی فعال و در کنار آن متوازن با همه کشورهای دوست پیگیری شود. وی با اشاره به سفر وزیر خارجه کشورمان به بنگلادش، گفت: علاوه بر دیدارهای دوجانبه و اهداف دوجانبه‌ای که در این سفر هست، وزیر امور خارجه در یک اجلاس منطقه‌ای «مجمع کشورهای حاشیه اقیانوس هند» شرکت و سخنرانی خواهد کرد.

احراز هویت‌ها در انتخابات مجلس الکترونیکی است

وزیر کشور با تأکید بر برگزاری قانونمند و باشکوه انتخابات مجلس شورای اسلامی، گفت: هماهنگی‌های لازم برای برگزاری انتخابی خوب، قانونمند و باشکوه انجام شده است. عبدالرضا رحمانی فضلی ادامه داد: همه دستگاه‌ها اعم از شورای نگهبان و دستگاه‌های امنیتی و سایر دستگاه‌های مربوطه اقدامات لازم را انجام داده‌اند.
وزیر کشور با اشاره به انتخابات اسفندماه سال جاری گفت: با هماهنگی‌های لازم و احراز هویت‌های صورت گرفته، امسال انتخابات مجلس شورای اسلامی به صورت صددرصد الکترونیکی برگزار می‌شود.

به بهانه ادامه ماجرای «ذوالقرنین» خواندن رئیس دستگاه قضا؛

قلب لقب!

راحیل رحمانی/گروه سیاست
Rahil.Rahmani@gmail.com

داستان «ذوالقرنین» خواندن «ابراهیم رئیسی» توسط مدیرمسئول روزنامه «کیهان» به جاهای بامزه‌ای رسیده است! روز شنبه روزنامه «کیهان» در مطلبی با اشاره به اینکه آیت‌اله ابراهیم رئیسی همان «ذوالقرنین» است که در قرآن هم آمده است، به تشبیه رئیس دستگاه قضا با «ذوالقرنین» پرداخت. این تشبیه عجیب، واکنش‌هایی را به دنبال داشت از جمله اینکه جهانبخش محبی‌نیا، نماینده مجلس، روز یکشنبه در نطق میان دستور خود کنایه‌ای به حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان زد که سید ابراهیم رئیسی را با ذوالقرنین مقایسه کرده بود. او گفت: خیلی عجیب است کسانی امروز دولت و مجلس را فاقد ارزش می‌دانند، اما به برخی دوستان لقب ذوالقرنین می‌دهند. همین آقایان تا دیروز در مورد مرحوم هاشمی می‌گفتند «مخالف هاشمی مخالف پیغمبری است». آخر سر دیدیم که چه برندی برای مرحوم هاشمی درست کردند و چه چیزهایی که به او نسبت ندادند.
در واکنش به این نطق، دیروز «کیهان» در پاسخی نوشت: آقای محبی‌نیا ادعا کرده که حسین شریعتمداری در یادداشت خود آیت‌اله رئیسی را ذوالقرنین نامیده است! این ادعا در حالی است که مدیر مسئول کیهان، برخورد قاطع رئیس‌قوه قضائیه با مفسدان اقتصادی را با اقدام ذوالقرنین در ایجاد سد آهنین میان جماعت ستمگر یأجوج و مأجوج و مردم مظلوم شهر و دیاری که مورد ستم آن جماعت بودند، مقایسه کرده و آورده بود اقدام آقای رئیسی کاری کارستان و همسو با برخوردی است که جناب ذوالقرنین با جماعت بیدادگر یأجوج و مأجوج کرده بود.
درواقع «کیهان» مدعی این شبیه‌سازی شد، اما داستان به همین جا ختم نشد و در جلسه علنی روز گذشته، محبی‌نیا با اشاره به مطلب منتشر شده در روزنامه کیهان گفت: بنده دیروز نطقی در جلسه علنی مجلس داشتم و امروز یکی از روزنامه‌ها در صفحه دوم خود متنی بلندبالا نوشته و ضمن تحریف سخنان بنده توهین و اهانت نیز داشته است. صحبت‌های دیروز بنده صرفاً به منظور دفاع از جایگاه نهاد مجلس شورای اسلامی و دولت بود. در این متن به بنده توهین شده و تهمت و دروغ نیز روا داشتند. بنده آقای شریعتمداری (کیهان) را ۴۰ سال است که می‌شناسم. بنده در نطق روز گذشته خود اذعان داشتم این که آیت‌اله سید ابراهیم رئیسی را روزنامه کیهان ذوالقرنین نامیده است، اشتباه است. آیا من دروغ می‌گویم یا کسی که این متن را نوشته است. ماجرای «کیهان» و «ذوالقرنین» خواندن رئیس قوه قضائیه، ما را به یاد تمام القاب و عناوین پرطمطراقی انداخت که در تاریخ سیاست ایران به سیاستمداران مختلف اعطا شده است. القابی که یا از سوی مردم و طرفدارانشان گرفته‌اند یا رسانه‌ها و چهره‌ها و امثال شریعتمداری‌ها به آن‌ها داده‌اند. «میرزا محمدتقی خان فراهانی» صدراعظم خوشنام ناصرالدین شاه «امیر کبیر» لقب می‌گیرد و در عوض در تاریخ کشورمان، شخصیتی همچون «احمد قوام‌السلطنه» داریم که برخی او را «چرچیل ایران» نامیده‌اند. پس از انقلاب انگار روند اعطای لقب شتاب بیشتری هم به خود گرفت. مرحوم هاشمی رفسنجانی از جمله نخستین سیاستمداران ایران است که در همان سال‌های ابتدایی انقلاب لقب «مرد بحران» را به خود اختصاص داد. او در آن سال‌ها نقش سیاستمداری فراجناحی را بازی می‌کرد و به محل چالش و کشمکش میان اصولگرا و اصلاح طلب تبدیل نشده بود. اما مردی که در دهه ۷۰ حتی لقب «سردار سازندگی» هم از سوی طرفدارانش گرفت، کارش به جایی رسید که در دهه سوم انقلاب «عالیجناب سرخ پوش» شد! لقبی که این بار از سوی مخالفان به او داده شده بود. آن‌ها معتقد بودند تمام مشکلات کشور حاصل مدیریت هاشمی رفسنجانی است و جالب اینکه سال‌ها بعد و پس از اتفاقات سال ۸۸ و نحوه مواجهه هاشمی با آن قضایا، همان مخالفان این بار او را «آیت‌اله صبور» نامیدند و مرحوم هاشمی به نقطه ثقل و اتکای اصلاح طلبان تبدیل شد! رئیس دولت اصلاحات هم با عناوینی چون «مردی با عبای شکلاتی» و «سیدخندان» شناخته می‌شد. رئیس‌جمهوری که خوش‌پوش بود و معمولاً لبخند به لب داشت. رقیب انتخاباتی رئیس دولت اصلاحات در انتخابات ریاست جمهوری ۷۶ هم لقب «شیخ نور» را به خود اختصاص داده بود. ناطق نوری، چهره‌ای است که رسانه‌ها او را با این لقب می‌شناسند. البته او هاله نور ندیده و مدعی دیدنش هم نیست بلکه متولد روستای نور، از روستاهای شمالی کشور است!
رئیس جمهور کنونی کشورمان هم که با لقب «شیخ دیپلمات» شناخته می‌شد. این لقب را به خاطر مدیریت پرونده هسته‌ای ایران در زمان دولت اصلاحات به او دادند. شهردار اسبق تهران دیگر چهره‌ای است که مثل مرحوم هاشمی رفسنجانی می‌توان او را «مرد القاب» نامید! حضور در سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و دریافت درجه سرداری، دریافت مدرک خلبانی و دکترای جغرافیای سیاسی باعث شد تا مردم و رسانه‌ها، محمدباقر قالیباف را «سردار، دکتر، خلبان» بنامند. البته او را در دوره حضور در شهرداری تهران با یک لقب خاص هم می‌شناختند: «مدیر جهادی»
و خلاصه که این لیست پرپیمان است. رئیس مجلس ششم که در حصر بسر می‌برد، «شیخ اصلاحات» نامیده می‌شد و یا پزشک اطفال بودن و مدیریت دیپلماسی کشور در ۱۶ سال باعث شد تا رسانه‌ها «علی اکبر ولایتی» را «طبیب سیاستمدار» بنامند. محسن رضایی را به «برادرمحسن» و «آقامحسن» در سال‌های جنگ می‌شناختند یا «موسوی خوئینی‌ها» که او را «مرد خاکستری اصلاحات» لقب داده‌اند. «محمدرضا باهنر» هم «مرد لابی‌های مجلس» لقب گرفته بود و حالا به این لیست، یک نام تازه اضافه کنید: رئیسِ «ذوالقرنین» که خب البته به نظر می‌رسد کمی ثقیل است، این طور نیست؟!

حاشیه

فقط به خاطر «شهرزاد»!

تسنیم: محمد سرافراز اخیراً در کتابی با عنوان «روایت یک استعفا» مطالبی را مطرح کرده است که بررسی آن و ماجراهای مربوط به او می‌تواند نکات مهمی در بر داشته باشد.
او در کل به این تصویر رسیده است که یک دست و حکومت پنهان نیرومندی از بیرون صداوسیما را عملاً از دست آقای سرافراز خارج کرده یا در کار او اخلال‌های جدی به وجود آورده تا او را زمین بزند.
این ادعای محوری سرافراز است که باید محک زده شود. البته آقای سرافراز این ادعاها را درباره بخش‌هایی مطرح کرده که کار او را ساده می‌کند؛ اطلاعات سپاه و بیت‌رهبری و مجموعه‌هایی از این دست که به واسطه ماهیت خود کمتر می‌توانند روندها و روال‌های موجود و جزئیات اقدامات را هر روزه و به صورت مکرر در رسانه‌ها بیان کنند. اگر این ادعای آقای سرافراز پذیرفته شود که حکومت پنهانی در میان بوده که از همان روزهای اول مانع او بوده و در کار او اخلال ایجاد کرده است، تصاحب سمت ریاست مجموعه حاکمیتی بسیار مهمی به نام صداوسیما توسط خود او چگونه باید تحلیل شود؟
آیا خود آقای سرافراز هم جزئی از همین حکومت پنهان است؟ آقای سرافرازی که به گفته خودش فقط یک خبرنگار در روزنامه رسالت بوده، اما نهایتاً به ریاست صداوسیما رسیده است! اگر چنین حکومت پنهانی که بنا دارد همه چیز را در قبضه خود داشته باشد چنین توانمندی ندارد که نگذارد یک خبرنگار معمولی روزنامه رسالت به ریاست صداوسیمای مملکت برسد دقیقاً چه حکومت پنهانی است؟
از این موارد نمونه‌های متعددی را می‌توان در کتاب تحلیل کرد؛ اما به نظر می‌رسد مسئله اصلی آقای سرافراز ماجرای خانم «شهرزاد میرقلی خان» است. در واقع خانم میرقلی خان «دال مرکزی» تمام حاشیه‌های امروز آقای سرافراز است و رئیس سابق صداوسیما از آنجا که در این مسئله با نهادهای مختلف از جمله اطلاعات سپاه به مشکل برخورد کرده، همه ماجراها و تاریخ را هم به نحوی روایت می‌کند که از دل آن چیز دیگری بیرون بیاید.
آقای سرافراز مشخصاً از اینکه دستگاه‌های نظارتی به او درباره خانم میرقلی خان تذکر داده‌اند، گله‌مند است.
او عملاً جمهوری اسلامی را نظام نامشروع و غیرمردمی و با هزاران برچسب و وصله عجیب و غریب خطاب می‌کند و مدعی می‌شود که در آینده اطلاعاتی را افشا می‌کند که اساس جمهوری اسلامی را زیر سوال می‌برد!
آیا آقای سرافراز در این مدت نتوانسته به این جمع‌بندی برسد که اگر خانم میرقلی خان واقعاً یک زندانی عادی بوده و مظلوم است، چگونه چنین فردی تحت حمایت پادشاهی عمان است و چنین جایگاهی در این پادشاهی دارد؟ حال اگر آقای سرافراز در گذشته در این باره دچار تردید بوده که حضور چنین فردی با چنان مواضعی مصداق نفوذ در صداوسیماست، حالا و پس از اتفاقات و ماجراهای اخیر نمی‌تواند هیچ شک و شبهه‌ای داشته باشد. لذا آیا بهتر نیست که با اصلاح این دال مرکزی، آقای سرافراز درباره بقیه مسائل نیز تجدید نظر کند؟

خانه ملت

از کجا آوردی نماینده شدی؟

فائزه عباسی/گروه سیاست
F.Abbasi@gmail.com

نماینده مجلس شدن گران است و برای راهیابی به ساختمان هرمی میدان بهارستان باید هزینه‌های هنگفتی از جیب پرداخت شود. حرف تکراری «ریالی برای انتخابات خرج نکرده‌ام» را که کنار بگذاریم؛ وقتی درباره هزینه‌های انتخاباتی با نمایندگان مجلس صحبت می‌کنیم دیگر کمتر از ۳۰ میلیون وجود ندارد. البته در میان صحبت‌های آن‌ها یک اشتراک وجود دارد و آن اینکه هر نماینده فارغ از حوزه انتخابیه‌اش از افرادی سخن می‌گوید که برای نماینده شدن آن‌ها آستین بالا زده‌اند و وارد میدان شده‌اند؛ هرچند اغلب آن‌ها ادعا می‌کنند که این کمک‌ها بدون چشم‌داشت بوده است، اما مگر نماینده شدن یک دوست چقدر می‌ارزد که بگوییم چون از دل برآید لاجرم بر دل نشیند؟! اینجاست که می‌توان گفت شفاف شدن هزینه‌های انتخابات بازار مکاره منفعت‌طلبان را هم جمع خواهد کرد. با همه این حرف و حدیث‌ها ما هم قبول داریم که انتخابات، هزینه دارد و برای برخی ارزان‌تر و برای برخی گران‌تر تمام می‌شود؛ اما سوال اینجاست این هزینه‌های چند ده یا بهتر است بگوییم چند صد میلیونی از کجا تأمین می‌شود؟ «وام بانکی» این یکی از همان منابعی است که بسیاری از نمایندگان به آن استناد می‌کنند. مثلاً محمدجواد ابطحی نماینده مردم خمینی شهر می‌گوید ۴۶ میلیون در انتخابات هزینه کرده است که از این مبلغ ۱۵ میلیون از صندوق قرض‌الحسنه قدس وام گرفته است و ۱۰ میلیون از صندوق قرض‌الحسنه الزهرا. مبلغ باقی مانده را هم خودش از جیبش هزینه کرده است. البته ابطحی بین صحبت‌هایش یادش می‌افتد که یکی از دوستانش دو میلیون به او کمک کرده است آن هم بدون هیچ چشم‌داشتی. ابوالفضل ابوترابی نیز می‌گوید برای تأمین هزینه انتخاباتش از بانک وام گرفته است. برخی دیگر از نمایندگان نیز وقتی از هزینه‌های انتخابات و منشأ هزینه‌هایش سخن به میان آمد اغلب می‌گفتند از پس‌اندازی که داشته‌اند استفاده کرده‌اند. زهرا ساعی نماینده مردم تبریز از جمله افرادی بود که می‌گوید همه هزینه‌های انتخاباتی‌اش را خودش پرداخت کرده است. او می‌گوید: من سال‌ها شاغل بودم و در دانشگاه تدریس می‌کردم و برای چند سال مشاور استاندار بودم بنابراین از پس‌انداز خودم و همسرم توانستم هزینه‌های انتخاباتی را تأمین کنم. مسعود رضایی نماینده شیراز از دیگر نمایندگانی است که می‌گوید نزدیک به ۴۰۰ میلیون در انتخابات سال ۹۴ هزینه کرده است او درباره منبع تأمین این مبلغ گفت: توانایی مالی برای تأمین این مبلغ را داشته است و تمام این مبلغ را خودش پرداخت کرده است. هدایت‌اله خادمی می‌گوید چیزی حدود ۵۰۰ میلیون تومان در انتخابات هزینه کرده است. او می‌گوید با وجود هزارو ۲۰۰ روستا و پراکندگی منطقه‌ای با دشواری‌های زیادی برای انتخابات مواجه بوده است، اما با این حال هیچ کمکی از جایی نگرفتم. او درباره اینکه هزینه انتخابات را از کجا تأمین کرده است، گفت: وقتی انتخابات به دور دوم رسیده، املاک پدری را فروخته و آن را هزینه کرده است.

بازی کودکان با گربه وزارت خارجه انگلیس

«تیفانی ترامپ» را می‌بینید. دستیار شخصی اخراج شده رئیس‌جمهور آمریکا گفته بود ترامپ حاضر نیست با «تیفانی» عکس بگیرد چون او چاق است!

غیرمحرمانه‌ها

واکنش «فائزه»

اخیراً محمد سرافراز، رئیس پیشین صدا و سیما، در مصاحبه‌ای به ریاست علی لاریجانی بر صداوسیما اشاره کرده و در رابطه با تعامل دولت وقت و این سازمان گفت: «در آن زمان اشتراک نظر سیاسی وجود داشت ولی به نظر من در آن مقطع یک اشتباهی رخ داد. هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهور بود و تمایل نداشت مورد انتقاد قرار بگیرد. در دور دوم ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی، تورم نزدیک ۵۰ درصد شده بود، مردم خیلی مشکل داشتند و تحت فشار بودند، اما به خاطر رابطه نزدیک لاریجانی با رفسنجانی، صداوسیما در موضع انتقاد از دولت و وضع وقت نبود.» در این ارتباط «فائزه هاشمی»، فرزند مرحوم هاشمی رفسنجانی گفت: مرحوم هاشمی همواره انتقادها را می‌شنید و عکس‌العمل و برخوردی از خود نشان نمی‌داد یعنی پدرم انتقادهایی را که عملی و منطقی بود را می‌شنید و انجام می‌داد و به انتقادهای غیرمنطقی توجهی نمی‌کرد.

من نگفتم رئیسی «ذوالقرنین» است!

روزنامه کیهان به انتقاد یک نماینده مجلس از مدیر مسئول این روزنامه، که رئیس قوه قضائیه را با ذوالقرنین مقایسه کرده بود، پاسخ داد. این روزنامه نوشت: آقای جهانبخش محبی‌نیا عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس که معلوم نیست چرا از برخورد قاطع دستگاه قضایی با مفسدان اقتصادی به شدت عصبانی شده بود، با نسبت دادن یک دروغ بزرگ به مدیر مسئول روزنامه کیهان، تلاش کرد یادداشت وی در تقدیر از آیت‌اله رئیسی را زیر سوال ببرد! آقای محبی‌نیا ادعا کرد که حسین شریعتمداری در یادداشت خود آیت‌اله رئیسی را ذوالقرنین نامیده است! این ادعا در حالی است که مدیر مسئول کیهان، برخورد قاطع رئیس‌قوه قضائیه با مفسدان اقتصادی را با اقدام ذوالقرنین در ایجاد سد آهنین میان جماعت ستمگر یأجوج و مأجوج و مردم مظلوم شهر و دیاری که مورد ستم آن جماعت بودند، مقایسه کرده و آورده بود. گفتنی است، روزنامه کیهان در حالی، ذوالقرنین خواندن رئیس قوه قضائیه را رد می‌کند که تیتر یادداشت روز شنبه‌اش این بود: آیت‌اله سید ابراهیم ذوالقرنین دست مریزاد!

شیرپاک خورده‌ای مثل خودت!

روزنامه جوان نوشت: صادق زیباکلام در یک توئیت نوشته که «نمی‌دانم کدام شیرپاک خورده‌ای این تصور را در ذهن جناب روحانی القا کرده که ترامپ شدیداً آرزومند گرفتن عکس با رئیس‌جمهور ایران است تا با آن پز داده و افتخار کند.» یادآور شویم زمانی که زیباکلام از پایبندی ترامپ و اروپاییان به برجام می‌گفت: «ترامپ بیشترین انعطاف را نسبت به برجام نشان خواهد داد. او نه تنها برجام را آتش نخواهد زد بلکه پرونده برجام را در جایی امن در کاخ سفید قرار خواهد داد. نباید فراموش کنیم که آقای ترامپ یک بیزینس من و تاجر است و مصالح اقتصادی را فدای شعارهای تندی که در دوران انتخابات داده نمی‌کند. آقای ترامپ می‌داند که اروپا با هر گونه خدشه یا نفی برجام مخالفت خواهد کرد.» بلی، یک شیرپاک خورده‌ای مثل شما که این طور یقینی از پایبندی آمریکا و اروپا به برجام می‌گفتید، پیدا خواهد شد که در مورد آرزوی عکس انداختن ترامپ با روحانی هم قصه بگوید!

این بار رهبری ورود می‌کنند

پنجشنبه گذشته ابراهیم رئیسی و احمد واعظی در همایش مبلغان در دفتر تبلیغات اسلامی سخنرانی داشتند، اما طلبه‌هایی معترض سخنرانی واعظی شدند. واعظی هم بدون اعتراض تریبون را ترک کرد و به رئیسی سپرد. طلبه معترضی گفته بود: «آقای واعظی، چه سنخیتی با جریان انقلابی و مبارزه با فساد دارید؟! چرا امروز می‌خواهید از جریانات انقلابی و آقای رئیسی کسب آبرو کنید؟!» حالا جعفری گیلانی رئیس هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی این افراد را افراد چماق‌دار مدرنی خوانده که برای چنین کارهایی خلق شده‌اند. او گفته است: «کاملاً مشخص است که آبشخور این افراد کجاست ولی فکر می‌کنم این‌بار مقام معظم رهبری پیگیر ماجرا خواهند شد».